

## Sociological Study of Domestic violence Against women with Emphasis on lived Experience (Case Study: Women Referring to Social Emergency Center)

### ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

#### Authors

Hossein Abbasi Aghdam<sup>1</sup>  
Habib Sabouri Khosroshahi<sup>2\*</sup>  
Nowruz Hashemzahi<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Hossein Abbasi Aghdam, Habib Sabouri Khosroshahi, Nowruz Hashemzahi, Sociological Study of Domestic violence Against women with Emphasis on lived Experience (Case Study: Women Referring to Social Emergency Center), *Islamic Life Style*. 2022; 6(2):612 -621.

1. PhD student, Department of Sociology of Social Issues of Iran, Garmsar branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: habibsabouri@hotmail.com

#### Article History

Received: 2022/05/01  
Accepted: 2022/08/08

### ABSTRACT

**Purpose:** Studying and investigating the phenomenon of domestic violence against women is one of the types of domestic violence, so the present research sought to understand the experiences of the studied women from the phenomenon of violence.

**Materials and Methods:** qualitative research method based on phenomenological theory. The research population includes women between 20 and 54 years of age who referred to the Social Emergency Center of Shahriar city, 20 of them were selected through purposive sampling. The data collection method was done through semi-structured interviews in depth and through open questions. Thematic analysis method was used for data analysis.

**Findings:** In the results of the research, three main and comprehensive themes have been obtained in the form of 17 sub-themes from the analysis of the interviews. Also, in order to draw the theme network as a result of the theme analysis, 44 sub-factors (semantic units) were also extracted.

**Conclusion:** The results of the influence of patriarchy and patriarchy in the form of long-standing culture and tradition, discrimination and inequality, exercising power and influence in decision-making and expressing opinions by men, women's lack of awareness of their rights and the lack of laws to protect women is.

**Keywords:** Lived Experience, Domestic Violence, Women, Social Emergency

## مطالعه جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان با تاکید بر تجربه زیسته (مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به مرکز اورژانس اجتماعی)

حسین عباسی اقدم<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

حبیب صبوری خسروشاهی<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

نوروز هاشم زهی<sup>۲</sup>

استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

**هدف:** مطالعه و بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان، به عنوان یکی از جمله خشونت های خانگی هست، لذا پژوهش حاضر در پی فهم و درک تجارب زنان مورد مطالعه از پدیده خشونت بود. **مواد و روش ها:** روش پژوهش کیفی و با استناد به نظریه پدیدارشناسی انجام گرفته است. جامعه پژوهش شامل زنان بین ۲۰ تا ۵۴ سال مراجعه کننده به مرکز اورژانس اجتماعی شهرستان شهربار است که ۲۰ نفر از آنان به صورت نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. روش گردآوری داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته به صورت عمیق و از طریق سؤالات باز انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفته است.

**یافته ها:** در نتایج پژوهش سه مضمون اصلی و فراگیر در قالب ۱۷ مضمون فرعی از تحلیل مصاحبه ها به دست آمده است. همچنین به منظور ترسیم شبکه مضامین در نتیجه خروجی تحلیل مضمون، ۴۴ زیر عامل (واحدهای معنایی) نیز مورد استحصال قرار گرفت. **نتیجه گیری:** نتایج تاثیر حاکمیت نظام پدرسالاری و مردسالاری در قالب فرهنگ و سنت دیرینه، تبعیض و نابرابری، اعمال قدرت و نفوذ در تصمیم گیری ها و اظهار نظرات از جانب مردان، عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و نقض قوانین جهت حمایت از زنان می باشد.

**واژه های کلیدی:** تجربه زیسته، خشونت خانگی، زنان، اورژانس اجتماعی..

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

\*نویسنده مسئول habibsabouri@hotmail.com

### مقدمه

از جمله مسائل اجتماعی رایج، می توان به خشونت اشاره کرد. خشونت (Violence) پدیده ای است بسیار پیچیده که می تواند در زمینه خانواده اشکال مختلفی به خود گیرد؛ از قبیل خشونت علیه کودکان، خشونت علیه مردان، خشونت علیه زنان و خشونت علیه افراد مسن، اما یکی از انواع متداول خشونت خانوادگی، خشونت بین همسران و به ویژه خشونت علیه زنان می باشد (۱). خشونت های خانگی علیه زنان از جمله مسائل و مشکلاتی است که زندگی بسیاری از زنان را در طبقات و قشرهای گوناگون اجتماعی به نوعی متأثر می سازد. اگر چه خشونت های خانگی معمولاً در حریم خانواده رخ می دهد، اما زندگی زنان را در همه عرصه ها متأثر می سازد. خشونت علیه زنان کیفیت زندگی زنان و فرزندان شان، توانایی، استقلال و مولد بودن زندگی عادی آن ها را به شدت تهدید می کند و به اختلال می کشاند (۲). خشونت خانگی یا خانوادگی با عناوین همسر آزاری، زن آزاری، شریک آزاری، خشونت زناشویی و سایر عبارات مشابه نیز توصیف می گردد و ممکن است این عبارات به جای هم مورد استفاده قرار گیرند. براساس یک خشونت خانگی عبارت از الگوی رفتارهای تهاجمی و سرکوب گرانه شامل: تعریف بالینی حملات جسمی، جنسی، روانی و هم چنین فشارهای اقتصادی است که افراد بزرگ سال یا نوجوان علیه شریک عاطفی و یا جنسی خود به کار می برند (۳). امروزه نیز خشونت خانگی علیه زنان به شدت رواج دارد و در بسیاری از جوامع به عنوان امری عادی پذیرفته شده است (۴). یکی از نکاتی که توجه به مسأله خشونت خانگی علیه زنان را برجسته می سازد، توجه به میزان شیوع این پدیده است. اگرچه زنان هم می توانند علیه مردان خشونت به خرج دهند ولی نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که زنان هشت برابر، بیشتر از مردان در معرض خشونت همسران شان قرار می گیرند (۵). مسأله اجتماعی مورد اشاره با توجه به در نظر گرفتن نتایج و یافته های حاصل از مطالعات انجام شده در تحقیقات پژوهش گران و متخصصان علوم اجتماعی پیرامون مسائل اجتماعی، حاکی از خشونت علیه زنان در پنج شکل جسمی، جنسی، روانی (عاطفی و کلامی)، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی؛ چه به صورت عمومی در سطح جامعه و چه به صورت خصوصی و خانگی در سطح خانواده است (۶)، که گاهی اخبار فوق در برخی از رسانه ها اعم از صوتی، تصویری و روزنامه ها، سایت ها و منابع خبری، گزارش ها و همچنین آمار به دست آمده از مراکز اورژانس اجتماعی در سازمان بهزیستی نیز منتشر گردیده اند. لذا خشونت علیه زنان، به عنوان یکی از اساسی ترین مسائل سلامت عمومی و حقوق بشر شناسایی شده است (۷) و هم چنین یکی از متداول ترین انواع خشونت در جامعه و خانه است که دامنه گسترده ای از خشونت کلامی تا خشونت فیزیکی را شامل شده است (۸). غالباً این خشونت ها نسبت به خشونت هایی که در خیابان به وسیله ی غریبه ها ارتکاب می یابند، کمتر مجرمانه تلقی می شوند و در نتیجه در دامنه این آسیب به خارج از مرزهای خانه کشیده شده و جامعه را نیز دچار آسیب و مشکل می کند. سلامت جامعه با وجود خشونت علیه زنان در مخاطره جدی قرار دارد، بنابراین زنان آسیب دیده، یکی از پیامدهای این آسیب های اجتماعی

سنجش و اندازه‌گیری داده‌ها و اطلاعات که استخراج مفاهیم، مقوله‌ها و مضامین از جملات و کلمات می‌باشد، با بهره‌گیری از نرم‌افزار Atlas.ti در قالب تحلیل مضمون استفاده شده است. از آن‌جا که پژوهش حاضر برای مدیریت و تحلیل داده‌ها از پدیدارشناسی تفسیری و مراحل توصیه شده در آن استفاده شده است و این مراحل مبتنی بر هرمنوتیک مضاعف می‌باشد؛ تلاش گردید تا از این طریق فعالیت معناسازی مشارکت‌کنندگان فهم شود. بنابراین در گام اول متن مصاحبه اول، چندین بار خوانده شد تا با همه جزئیات آن آشنایی به دست آید. پس از آن مضامین ظاهر شده، جستجو و موضوعات مهم حاشیه‌نویسی گردید. در گام دوم مضامین به دست آمده دسته‌بندی و به هم دیگر متصل یا مرتبط شد، به طوری که مضامین جامع‌تر و کلی‌تری شکل گیرد. در گام سوم با استفاده از مضامین ظاهر شده از متن مصاحبه با نفر اول، پژوهش‌گر بر آن شد، دست‌نوشته‌ها و متن مصاحبه‌های بعدی را تحلیل و جدول نهایی مضامین جامع‌تری ایجاد نماید. در نهایت خروجی فرآیند تحلیلی، توصیف روایتی بود که در آن تفسیر تحلیلی پژوهش‌گر در کنار الفاظ مستقیم مشارکت‌کنندگان قرار گرفت (۱۲). در بخش اعتبار طرح پژوهش، با توجه به هدف آن، چگونگی گردآوری و تنظیم داده‌ها و نیز تبدیل آن‌ها به اطلاعات و سرانجام دست‌یافتن به یافته‌های تحقیقاتی، نمایان می‌شود؛ اما نسبت به یافته‌های تحقیقاتی یک طرح تا چه اندازه می‌توان اطمینان داشت؟ در پاسخ به این سؤال باید اعتبار درونی تحقیق را مورد نظر قرار داد. علاوه بر این تا چه اندازه می‌توان یافته‌های تحقیق را در محیط‌های جغرافیایی یا شرایط دیگر تعمیم داد؟ این سؤالی است که با اعتبار بیرونی تحقیق سروکار دارد. با توجه به تکرار پاسخ‌های داده شده از سوی مصاحبه‌شوندگان و با فرض عدم ارتباط و پیش‌زمینه ذهنی مشترک بین آنها، می‌توان اعتبار بیرونی پژوهش را مورد قبول دانست (۱۳). در بخش پایایی کیفی پژوهش، می‌توان گفت با توجه به هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، ایجاد فرایندهای ساختارمند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های هم‌گرا، و استفاده از کمیته تخصصی خبرگان برای تحلیل [مضامین] به دست آمده، روایی را در بخش کیفی تضمین می‌کند (۱۴).

#### یافته‌ها

از مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان، میانگین سن آنان ۴۰ سال، ماکزیمم و مینیمم آنان نیز از سن ۲۰ سال تا ۵۴ سال می‌باشد. در خصوص تحصیلات، بیشترین فراوانی در مقطع زیر دیپلم با تعداد ۹ نفر و در حدود ۴۵٪ بوده و کمترین آن در مقاطع فوق دیپلم و لیسانس با تعداد ۲ نفر و در حدود ۱۰٪ هستند. در وضعیت تأهل نیز بیشترین تعداد ۱۴ نفر با عنوان جدا شده (مطلقه) در حدود ۷۰٪ و کمترین آن نیز ۲ نفر در سایر وضعیت‌ها به طور مشترک در حدود ۱۰٪ هستند.

است که اخیراً با سرعت رو به افزایش است. در این مورد تردیدی وجود ندارد که وجود خشونت در جامعه می‌تواند آسیب‌های جسمی و روانی را به افراد و خسارت‌های بزرگی نیز به اموال وارد آورد و هنگامی که اشاعه یابد می‌تواند آسیب‌های عمیقی را به روابط اجتماعی وارد سازد (۹). خشونت، پیامدهای نامطلوب بلندمدت برای بازماندگان آن به جا می‌گذارد که حتی پس از اتمام دوره خشونت نیز ادامه می‌یابد؛ وضعیت نامطلوب سلامت، کیفیت پایین زندگی و استفاده بیشتر از خدمات بهداشتی - مراقبتی از عوارض خشونت می‌باشد (۱۰).

از آنجا که موضوع مورد پژوهش بر مفهوم خشونت خانگی علیه زنان متمرکز گردیده است؛ لذا با توجه به اصطلاح خانگی بودن خشونت علیه زنان مبنی بر قرار گرفتن این پدیده در فضا و چارچوب خانواده، به نظر می‌رسد که عمده وقوع این پدیده در کانون خانواده‌ها صورت می‌پذیرد، ضمن اینکه ممکن است این اتفاق به شکل عام در سطح اجتماع و جامعه نیز بیفتد. در اینجا دو مفهوم خانواده و خشونت مطرح است. بنابراین، در پژوهش حاضر با توجه به اینکه محیط خانواده، محیطی امن برای حریم زنان و ضامن سلامتی برای آنان در نظر گرفته می‌شود، پس چرا پدیده خشونت خانگی علیه زنان اتفاق می‌افتد؟ با این وصف به منظور مسأله‌یابی و تعیین مسأله پژوهش با مفهوم خشونت آغاز می‌شود، که خشونت چیست؟ زنان چه درک، فهم یا احساسی نسبت به خشونت دارند؟ زنان چه نوع خشونت‌ی را تجربه کرده‌اند؟ و چه تجربه‌هایی از خشونت دارند؟

#### مواد و روش‌ها

برای مطالعه و بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان و با توجه به این که پژوهش حاضر در صدد کشف تجربه زیسته آنان از پدیده خشونت می‌باشد، از رویکرد پدیدارشناسی به عنوان یکی از روش‌های پژوهش کیفی استفاده شده است، پدیدارشناسی به پژوهش‌گران کمک می‌کند تا ابعاد پنهان زندگی مشارکت‌کنندگان را دریابند؛ چرا که هر یک از آن‌ها تجربه زیسته متفاوتی دارند و این روش به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا در شرایط متفاوت به درک و تصویری که مشارکت‌کنندگان از تجارب خود دارند دست یابند (۱۱). این پژوهش، به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی محض می‌باشد. میدان پژوهش مورد مطالعه، کلیه زنان آسیب‌دیده و در معرض خشونت هستند که به مرکز اورژانس اجتماعی اداره بهزیستی شهرستان شهریار مراجعه کردند. حجم نمونه نیز بر اساس روش پدیدارشناسی مد نظر استراوس و کوربین تعداد نمونه مناسب ۱۰ تا ۲۵ نفر است که حدود ۲۰ نفر از زنان خشونت‌دیده انتخاب و مصاحبه لازم انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها از طریق سیستم صوتی، بر اساس مصاحبه عمیق به صورت نیمه ساختار یافته و از طریق سؤالات باز به منظور دست‌یافتن به فهم و درک تجربه آنان از پدیده خشونت بهره‌برداری شده است. برای

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک

توزیع سن		
میانگین سن مصاحبه شوندگان	حداکثر سن	حداقل سن
۴۰ سال	۲۰ سال	۵۴ سال
وضعیت تحصیل		
تحصیلات	تعداد	درصد
زیر دیپلم	۹ نفر	۴۵٪
دیپلم	۳ نفر	۱۵٪
فوق دیپلم	۲ نفر	۱۰٪
لیسانس	۲ نفر	۱۰٪
فوق لیسانس	۴ نفر	۲۰٪
وضعیت تأهل		
تأهل	تعداد	درصد
متأهل	۲ نفر	۱۰٪
متأهل (ازدواج دوم)	۲ نفر	۱۰٪
جدا شده	۱۴ نفر	۷۰٪
همسر فوت شده	۲ نفر	۱۰٪

یافته های پژوهش به طور کلی با استفاده از چارچوب روش پدیدارشناسی تفسیری و مراحل مندرج در این روش، سه مضمون اصلی و فراگیر در قالب ۱۷ مضمون فرعی از تحلیل مصاحبه ها به دست آمده است:

جدول ۲. خلاصه یافته های پژوهش در قالب مضامین

مضامین اصلی	مضامین فرعی	واحدهای معنایی
	خشونت پذیری زنان	ترس از اعتراض، ترس از آبرو، باورهای سنتی، اعتماد به نفس پایین، توقعات حداقلی، انتظارات بیرونی
تجارب معطوف به خود (فردی)	داشتن تجربه خشونت در دوران کودکی	داشتن والدین بد، جامعه سنتی، بی اعتمادی به قانون
	عدم تحصیلات	عدم آگاهی، خرافات، بی هدفی، ممانعت خانواده، محدودیت های محیطی
	بیکاری و شغل فصلی	نابرابری، عدم امنیت شغلی، تورم، عدم مهارت های فنی
	عدم دارائی و منابع مالی در اختیار زن	عدم حمایت دولتی، مشکل در قوانین، تصورات سنتی، عدم حمایت خانوادگی، تبعیض جنسیتی
	ضعف پایگاه اجتماعی خانواده	عدم آگاهی، فرهنگ پایین، منطقه جغرافیایی، باورهای نادرست، مشاغل کاذب و خلاف عرف، ظلم پذیری
	عدم پذیرش نقش های جنسیتی	انتخاب ناصحیح در ازدواج، مشکلات عاطفی، ظلم پذیری یکی از طرفین، عدم آموزش، باورهای نادرست، تربیت ناصحیح
تجارب معطوف به خانواده و محیط (خانوادگی)	اعتیاد به مواد مخدر و الکل	عدم تفریحات صحیح، عدم آگاهی، عدم آموزش های بهداشتی، دوستان ناباب، عدم حمایت خانوادگی
	دخالت والدین و اطرافیان	عزت نفس پایین، عدم آگاهی، بی سوادی، تصورات غلط و سنتی، عدم رعایت حفظ اسرار خانگی
	روابط قدرت در خانواده	تعصبات بی جا، مشکلات عاطفی، معیارهای ناصحیح ارزشمندی
	الگوی سنتی پدرسالاری و مردسالاری	تعصبات بی جا، باورهای سنتی، بی سوادی، عدم آگاهی و آموزش کافی، معیارهای ناصحیح ارزشمندی
	بی توجهی به خواسته و نیازهای عاطفی	تلقی نادرست از مذهب، تعصب بی جا، چندهمسری، روابط خارج از عرف
	خشونت اجتماعی	نگاه جنسیتی، عدم حمایت دولتی و نهادی، عدم فرهنگ صحیح و درست

خشونت اقتصادی	نابرابری، مشکل در قوانین، ظلم پذیری زنان، باورهای فرهنگی غلط	پیامدها و بازخوردها (ابعاد خشونت)
خشونت جسمی	عدم حمایت خانوادگی، عصبی بودن	
خشونت جنسی	خیانت، تنوع طلبی	
خشونت روانی	ظلم پذیری زنان، عدم حمایت دولتی و نهادی، اعتماد به نفس پایین	

## خروجی تحلیل مضمون

بر اساس جداول به دست آمده در تحلیل پدیدارشناسی، حال نوبت به تحلیل مضمون کدهای استخراج شده به عنوان ابزار پژوهش می‌رسد. در قسمت تحلیل پدیدارشناسی ۱۷ عامل متمایز از یکدیگر استخراج شد، که متناظر با هر عامل برای هر ۲۰ مصاحبه شونده گزاره‌های توصیفی به دست آمد و در ارتباط با گزاره‌های به دست آمده، کدگذاری و تحلیل مضمون در نرم افزار مطروحه صورت گرفت. سپس برای هر یک از ۱۷ عامل، عوامل زیربنایی با ذکر ۴۴ عامل مرتبط با آن نیز استخراج گردید که خلاصه آن در زیر تشریح می‌شود.

تجارب معطوف به خود (پیش‌انگاره‌ها، تلقی از خود، تجربیات گذشته)

➤ یکی از مضامین اصلی کشف تجربه زیسته زنان مورد مطالعه از پدیده خشونت، تجارب خودشان از این پدیده در دوران کودکی است. با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی، بزرگ سالان با مشاهده عینی پدیده خشونت در دوران کودکی، رفتارهای خشونت آمیز والدین خود یا برخی دیگر نسبت به همسران یا دختران خود را از نزدیک مشاهده کرده‌اند و این چنین رفتارها را آموخته‌اند؛ خود زنان مورد مطالعه، علاوه بر این که در زندگی مشترک شان مورد خشونت واقع شده‌اند، در دوران کودکی نیز این پدیده ناخوشایند را تجربه کرده‌اند. در این مضمون اصلی، مضامین فرعی با عناوینی چون: "خشونت پذیری زنان"، "داشتن تجربه خشونت در دوران کودکی"، "عدم تحصیلات"، "بی‌کاری و شغل فصلی"، "عدم دارائی و منابع مالی در اختیار زن"، پس از بررسی محتوای مصاحبه‌ها، استخراج گردیده‌اند.

➤ در خصوص عامل خشونت پذیری زنان، بانوی ۴۲ ساله‌ای به نام فرزانه، گزاره‌ای را بیان می‌کند و می‌گوید: "می‌ترسیدم اعتراض کنم". در خصوص تجربه خشونت در دوران کودکی، بانوی ۵۰ ساله‌ای به نام صفورا عنوان می‌کند که: "توی زیرزمین اون بلا (زندانی کردن در زیرزمین توسط پدر) سرم اومد، ولی از ترس زبونم بند اومده بود". در خصوص عدم تحصیلات، بانوی ۵۰ ساله به نام پری بیان کرد که: "دختر بزرگم رو عجله کردم و تحقیق نکرده شوهر دادم". در خصوص بی‌کاری و شغل فصلی، بانوی ۴۴ ساله‌ای به نام فرزانه گفت: "به عنوان پرستار ۲۴ ساعته کار می‌کردم تا مستقل شوم". در خصوص عدم دارائی و منابع مالی در اختیار زن، بانوی ۴۳ ساله‌ای به نام مهین در گزاره‌ای عنوان کرد: "همیشه می‌خواستم یه خونه برای خودم داشته باشم". با توجه به گزاره‌های مصاحبه‌شوندگان چنین بر می‌آید که زنان مورد مطالعه، علاوه بر کسب تجربه خشونت در دوران زندگی زناشویی خود، در دوران کودکی نیز این پدیده را تجربه کرده‌اند. پذیرش خشونت به خاطر ترس از آبرو، ازدواج زود هنگام دختر خود و عدم کسب تحصیلات

به خاطر حفظ و تداوم و سنت، اعمال خشونت روانی و جسمی به خاطر شیطنت در دوران کودکی، کار کردن ۲۴ ساعته به عنوان پرستار و کسب استقلال مالی به خاطر این که پدرش در دوران کودکی شغل مناسب و ثابتی نداشت؛ داشتن آرزوی خانه مستقل برای خود که در دوران کودکی در خانه پدری خود مدت‌ها به صورت استیجاری زندگی می‌کردند. بنابراین به خلاصه‌ای از واحدهای معنایی (زیر عامل‌ها)، برگرفته از مضامین فرعی اشاره می‌شوند که عبارتند از: ترس از اعتراض، ترس از آبرو، باورهای سنتی، اعتماد به نفس پایین، توقعات حداقلی، انتظارات بیرونی، داشتن والدین بد، جامعه سنتی، بی‌اعتمادی به قانون، عدم آگاهی، خرافات، بی‌هدفی، ممانعت خانواده، محدودیت‌های محیطی، نابرابری، عدم امنیت شغلی، تورم، عدم مهارت‌های نرم، عدم حمایت دولتی، عدم حمایت خانوادگی، تبعیض جنسیتی.

تجارب معطوف به خانواده و محیط اطراف (دوگانه اطرافیان- خانواده)

➤ دومین مضمون اصلی استخراج یافته از محتوای مصاحبه انجام شده، تجارب معطوف به خانواده و محیط اطراف است. یعنی این که زنان مورد مطالعه علاوه بر این که تجربیات شخصی خودشان را بیان داشتند، با توجه به مفاد صحبت‌های آنان به گونه‌ای از جانب اعضای خانواده (پدر و همسر) و محیط اجتماعی خود با اعمال خشونت مواجه شده‌اند. مضامین فرعی ناشی از تجارب معطوف به خانواده و محیط اجتماعی پیرامون خود، تحت عناوینی چون: "ضعف پایگاه اجتماعی خانواده پدری"، "عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی"، "اعتیاد به مواد مخدر و الکل"، "دخاله والدین و اطرافیان"، "الگوی سنتی پدرسالاری و مردسالاری"، "روابط قدرت در خانواده" و "بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای عاطفی" استخراج گردیده‌اند.

➤ در خصوص عامل ضعف پایگاه اجتماعی خانواده پدری، خانمی ۴۴ ساله به نام خورشید می‌گفت: "پدرم یه کارگر ساده و مادرم خانه دار بود و سن کم، در این خانواده مرسوم بود چون دختر رو که یه خانم کامل بود باید ازدواج می‌کرد". پایین بودن پایگاه اجتماعی پدر، به خاطر شغل کارگر ساده بودن و کمی درآمد و از طرفی طبق سنت مرسوم آنان مجبور به ازدواج زود هنگام شد که بر خلاف میل و خواسته درونی‌اش بود، احساس سرخورده‌گی و یأس خود نوعی خشونت است که بر فرد مصاحبه‌شونده تحمیل شد.

➤ در خصوص عدم پذیرش نقش‌های جنسیتی، خانم پری ۵۰ ساله گفت: "هم باید بچه‌نگه می‌داشتم هم کار می‌کردم تا همسرم خرج اعتیادشو بده". نقش‌های جنسیتی در واقع بازتابی از هویت جنسی بوده و هویت جنسی نیز آناتومی فیزیکی بدن زنان و مردان

➤ در خصوص بی توجهی به خواسته ها و نیازهای عاطفی، خانم خورشید ۴۴ ساله، علت بی توجهی همسرش را این چنین توصیف کرد که: "درک اینکه حمایت کنه نبود و متوجه نمی شد و حتی روزی متوجه شدم با شخص دیگری ارتباط مجازی داره و حتی باهاش قرار گذاشت، وقتی ازش پرسیدم چرا این کارها رو می کنی؟ می گفت ازت خسته شدم". خانواده یکی از نهادهای اجتماعی توأم با محبت و صمیمت است. بنابراین نیاز عاطفی و روانی در کانون خانواده یکی از منابع مهم در تحکیم و پایداری خانواده است. به طور طبیعی چنان چه از جانب مردان خود، نتوانند خواسته های روزمره خودشان را بیان کنند، و همچنین نتوانند نیازهای عاطفی و توجهات صمیمانه ای از سوی مردان تأمین کنند، خود نوعی اعمال خشونت به حساب می آید. تنوع طلبی و چند همسری در میان مردان و روابط خارج از عرف می تواند عامل بروز چنین خشونتی بر علیه زنان باشد.

➤ خشونت های اعمال شده از جانب پدر و همسر، تجارب قابل توجه و حائز اهمیتی است که مصاحبه شوندگان با آن مواجه شده اند. در واقع چنین می توان استنباط کرد که نوعی خشونت پنهان در تجربه های آنان مشهود است. بدین منظو، همان گونه که زندگی روزمره و عادی خود را گذران می کردند، به طور معمول و رایج با این چنین خشونت هایی مواجه شده و تجربه های ناخوشایند و نارضایت مندی را کسب کرده اند.

پیامدها و بازخوردها (دوگانه محیط آسیب زا و ایده آل)

➤ در این قسمت از مضمون اصلی پژوهش، با در نظر گرفتن ابعاد خشونت های تحمیلی علیه زنان اعم از: جسمی، جنسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی، زیر عواملی استخراج شده است که در واقع به بازخوردها و پیامدهای ناشی از خشونت اشاره می شود. بازخوردها و پیامدهای ناشی از خشونت با توجه به تجارب زیسته زنان مورد مطالعه چه خودشان و چه از جانب زیست محیطی پیرامون خودشان به اشکال مختلفی، نمود پیدا می کند. به عبارتی دیگر با توجه به نوع خشونت که تجربه کردند، ابعاد خشونت را می توان از آن شناسایی کرد. به عنوان مثال: تجاربی که در بخش مضامین قبلی به لحاظ خشونت کسب کرده اند، ماهیت و ابعاد خشونت در آن قابل فهم می باشد؛ اما در اینجا به طور جداگانه با توجه به متن و محتوای مصاحبه های زنان مورد مطالعه، به طور خلاصه به شناسایی برخی از زیر عوامل ابعاد خشونت پرداخته می شود.

➤ در نوع خشونت جسمی، بانوی ۴۴ ساله به نام خورشید، که وقتی به دلایل خاص در شرایط ناگواری از زندگی قرار می گیرد و مورد ضرب و جرح از سوی همسرش قرار می گیرد، عنوان می کند: "همسرم با میله جارو برقی منو زده بود و کبود شده بودم". این چنین خشونت هایی بر اثر عدم حمایت و پشتیبانی از سوی خانواده خصوصا مردان، عصبی بودن، بد خلقی و بد اخلاقی مردان که عقده های ناشی از عصبی بودن را بر سر زنان خالی کرده و مورد حمله های تند مردان قرار می گیرند.

➤ در خشونت جنسی، زنی ۴۵ ساله به نام شادی در مورد همسرش که تجربه برقراری ارتباط جنسی همسرش با زنان فاقد همسر را داشت که به نوعی با مشکل تنوع طلبی و خیانت روبرو بود، چنین تجربه ناپسندی را بیان کرد: "ازم میخواست که در مورد

است و نشانه های بیرونی رفتار افراد، که برگرفته از هویت جنسیتی است؛ در اینجا اعمال خشونت تحمیل شده بر زنان بی توجهی به نقش ها، وظایف و احساس مسئولیت مردانه ای است که زنان انتظار یا توقع داشته و مردان نیز از انجام آن سر باز می زنند. که می توان به عواملی چون تربیت ناصحیح، عدم آموزش، مشکلات عاطفی و انتخاب ناصحیح در امر ازدواج اشاره داشت.

➤ در خصوص اعتیاد به مواد مخدر و الکل، "بانوی ۲۹ ساله به نام فاطمه با توجه به شدت اعتیاد و تکرار مصرف مواد مخدر همسرش گفت: "چندبار فرستادیمش کمپ اما فایده نداشت". در اینجا نیز به تأثیر مصرف مواد مخدر بر بی توجهی و عدم احساس تعلق داشتن و احساس مسئولیت داشتن نسبت به کانون خانواده را می رساند. از طرفی نوعی انزوای طلبی و گریز پذیری از نهاد خانواده می باشد که پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال دارد. علت این امر می توان مواردی چون: اطرافیان نادرست (دوستان، بستگان یا آشنایان ناباب)، نداشتن تفریحات سالم و عدم برنامه ریزی مناسب در رسیدگی به امور زندگی و عدم آگاهی از احساس مسئولیت نسبت به خانواده و همسر و فرزندان اشاره داشت.

➤ در خصوص دخالت والدین و اطرافیان، سمیرا بانوی ۳۰ ساله در خصوص دخالت دادن برادر همسرش در زندگی این گونه اذعان داشت که: "اگر خودش نبود برادرش منو می برد سرکار". دخالت های بی جا و بی مورد از جانب اطرافیان، چه در میان زنان و چه در میان مردان در نهایت امر، متوجه شیوع پدیده خشونت در کانون خانوادگی می شود و این اتفاق نیز بیشتر متوجه زنان است. موارد حائز اهمیتی که در امر دخالت کردن اثر گذار باشد می تواند، عدم رعایت حفظ اسرار خانوادگی، عزت نفس پایین، جامعه سنتی باشند.

➤ در خصوص الگوی مردسالاری و پدرسالاری، همان بانوی ۳۰ ساله (سمیرا) گفت: "بی نهایت غیرتی بود و اینکه می خواستم برم خونه مادرم می گفت حق نداری تنها بری" و در جایی دیگر خانمی ۴۳ ساله به نام زهرا، در مورد تصمیم گیری ها و حرف ها در میان اعضای خانواده گفت: "همیشه حرف حرف پدر بود". نگرش های مردان و پدران نسبت به اعضای خانواده ریشه در ایدئولوژی مردسالارانه و پدرسالارانه دارد. اعمال نفوذ و تحمیل خواسته ها بر اعضای خانواده خصوصا دختران و زنان نیز دست خوش حاکمیت این ایدئولوژی است و زمینه ساز تجربه خشونت در میان زنان نیز می باشد. تعصبات بی جا، باورهای سنتی پدرسالاری و معیارهای ناصحیح ارزشمند در جامعه مؤلفه هایی هستند که در این مضمون فرعی استنتاج می شود

➤ در خصوص روابط قدرت در خانواده، خانم ۵۱ ساله ای به نام گلی گفت: "هر کاری که می خواستم انجام بدم باید از همسرم اجازه می گرفتم". قدرت در تصمیم گیری و انجام برخی کارهای شخصی اعم از خرید لوازم و وسایل شخصی بانوان از سوی مردان، به طوری که خود اختیار قابل توجهی در رفع خواسته هایشان نداشته باشند، نشان از نوعی خشونت روا داشته شده در حق زنان است. عدم توازن قدرت بین زنان و مردان، ریشه در نابرابری هویت اجتماعی آنان است.

## ترسیم شبکه مضامین

از ماتریس مضامین جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود. ماتریس، اساساً از تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها شکل می‌گیرد و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، عرضه می‌شود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین می‌تواند به مضمون‌ها یا منبع داده‌ها با سایر موارد اختصاص یابد. از این رو، می‌توان ماتریس‌های مختلفی با ترکیب‌های متفاوت، ایجاد کرد. مثلاً در ماتریسی می‌توان رابطه میان دو دسته از مضامین را بررسی و در ماتریس دیگری، مضامین یک یا چند منبع را مقایسه کرد (۱۵). شبکه مضامین نیز روش مناسبی در تحلیل مضمون است. آن‌چه که شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (۱۶). بر خلاف روش قالب مضامین، شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود. با این حال، لازم است توجه شود که این شبکه‌ها صرفاً ابزاری تحلیلی هستند و نه خود تحلیل. وقتی یک شبکه مضمونی ساخته شد می‌توان از آن به مثابه ابزاری تصویری برای تفسیر متن استفاده کرد تا نتایج حاصل از متن و خود متن برای محقق و خوانندگان تحقیق، روشن و فهمیدنی شود (۱۵). برای ترسیم روابط میان مضامین می‌توان از مضامین رابطه‌ای نیز استفاده کرد. با در نظر داشتن مدل پژوهش، هسته اصلی شبکه مضامین اعم از فردی (مضمون تجارب معطوف به خود)، خانوادگی (مضمون تجارب معطوف به خانواده و محیط) و ابعاد خشونت (مضمون پیامدها و بازخوردها) می‌باشد به شکل نمودار بالا ترسیم گردید. هسته فرعی شبکه نیز شامل ۱۷ عامل است که هر یک از ۱۷ عامل، دارای زیرعوامل (واحد‌های معنایی) مختلف به صورت شاخه به شاخه مشخص شده است (۴۴ مورد واحد‌های معنایی در جدول شماره ۲ آورده شده و در ترسیم شبکه مضامین نیز صرفاً به ۳ مضمون اصلی و ۱۷ مضامین فرعی اشاره شده است). نکته حائز اهمیت این است که جهت تمامی پیکان‌ها که نشان دهنده اثرگذاری بر عوامل است. از زیرعوامل به عوامل اصلی و به دسته بندی‌های اصلی و نهایتاً به مسأله خشونت علیه زنان می‌باشد.

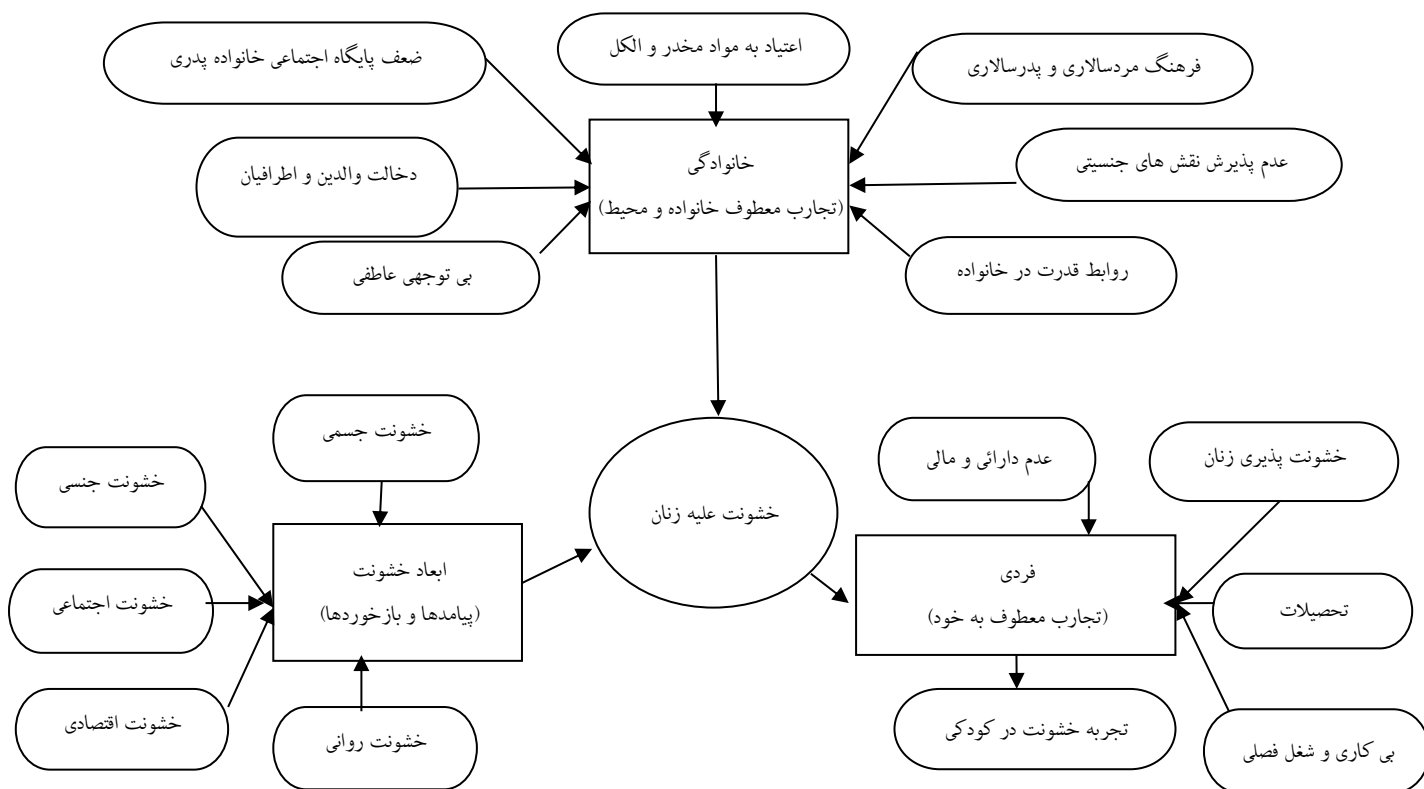
روابطش بیرون از خونه نپرسم". در این جا مقوله جنسی از جمله خشونت‌های اعمال شده بر زنان به اشکال متعدد مطرح شدند. مردان به لحاظ هویت جنسیتی نسبت به زنان از آزادی قابل توجه و نامحدودی برخوردار هستند و در رفع نیازهای جنسی خود با هیچ محدودیتی مواجه نمی‌شوند، بنابراین این خشونت بر زنان باعث نا بهنجاری، ناملایمات و عدم تحکیم و ثبات در زندگی زناشویی و کانون خانواده شده و زنان نیز گرایش به تنوع جنسی برای برطرف کردن نیازهای جنسی خود پیدا می‌کنند.

➤ در خصوص بعد اجتماعی خشونت، که زنان در محیط اجتماعی پیرامون خودشان به عنوان زیست محیطی احساس ناامنی می‌کنند و به لحاظ جنسیت شان تحت الشعاع انواع آزارها قرار می‌گیرند؛ گلایه و شکایت دارند. همان بانوی ۴۴ ساله به نام خورشید خاطره‌ای را در داخل اتوبوس به عنوان وسیله نقلیه عمومی و با ماهیت اجتماعی تعریف می‌کرد: یه بار که از محل کار خود باز می‌گشتم، تو اتوبوس از خستگی خوابم برده بود یهو متوجه شدم یه دستی به من خورد که داشت پهلوی منو می‌مالید". خشونت اجتماعی می‌تواند شامل مواردی مختلف در شرایط متفاوت از جانب مردان چون پدران و همسران (مرد) باشد. در این بخش از مضمون فرعی، می‌توان به عدم فرهنگ صحیح و درست و نگاه جنسیتی اشاره کرد.

➤ در خصوص خشونت اقتصادی، سمیرا ۳۰ ساله که شاغل است، سو، استفاده مالی همسرش را چنین بیان داشت: "متوجه شدم از لحاظ اقتصادی کم‌میزاره اون چیزی که من می‌خواستم نبود و به طور غیر مستقیم پول می‌گرفت". با توجه به اعمال قدرت و هویت جنسیتی مردان که وظیفه تأمین نیازها و مایحتاج زندگی در بیرون از خانه به عهده آنان می‌باشد، مشاهده شده است که به منابع مالی همسران شان چشم داشت داشته و در صدد استفاده خصمانه نیز از زنان هستند. زنان چنین رویدادی را ناشی از خشونت می‌دانند و به شدت نسبت به آن احساس ناراضی می‌کنند.

➤ در خصوص خشونت روانی، بانوی ۴۸ ساله‌ای به نام طاهره، به خاطر تخریب شخصیت از جانب همسرش شکایت داشت و گفت: "بیشتر وقتا با لحنی تند با من حرف می‌زد". خدشه وارد کردن به عزت نفس، اعتبار، حیثیت و آبروی زن به عنوان یک موجود اجتماعی از عوامل ناپسند و ناخوشایندی است که اغلب مردان با توجه به برتری جنسیتی، اعمال قدرت و نابرابری در موقعیت اجتماعی به لحاظ هویت جنسی بر علیه زنان روا داشته و خشونت‌ست که زنان مورد مطالعه با آن مواجه شده و تجربه کرده‌اند.

➤ بر همین اساس برای تمامی ۱۷ عامل، ۴۴ زیرعامل بنیادین (واحد‌های معنایی) به دست آمده است. در چنین شرایطی لازم است که با تکیه بر عوامل به دست آمده در بخش پدیدارشناسی و زیرعوامل‌های به دست آمده، می‌توان شبکه مضامین را ترسیم نمود.



شکل ۱. هسته اصلی و فرعی شبکه مضامین

### نتیجه گیری

خشونت خانگی علیه زنان از جمله خشونت های رایج در سطح جامعه و خانواده است. این خشونت به طور عمده از جانب مردان علیه زنان صورت گرفته و دلایلی از جمله حکم رانی پدرسالارانه و مردسالارانه در کانون خانواده و در میان روابط با پدر و همسر، اعمال قدرت، تبعیض و نابرابری جنسیتی است. ریشه های کهن این خشونت بسیار گسترده و وسیع است و این در واقع مسئله عمده ای است که زنان در هر جامعه ای با آن مواجه بوده و هستند. البته ناگفته نماند که عکس این پدیده خشونت، علیه مردان از جانب زنان نیز مشهود است، که انجام پژوهش و تحقیق در این راستا ضروری به نظر می رسد. در پژوهش حاضر، با استفاده از رویکرد پژوهشی کیفی (پدیدارشناسی) و بهره مندی از روش تحلیل مضمون، پس از انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته به صورت عمیق و از طریق طرح سؤالات باز با ۲۰ نفر از زنان مورد مطالعه و خشونت دیده در مواجه شدن با این پدیده از طریق نمونه گیری هدف مند که تجربیات خود را از زندگی خانوادگی بیان کرده بودند. به بررسی و بازبینی مصاحبه های انجام گرفته با آنان پرداخته شد. سپس مضامین اصلی، فرعی و همچنین زیر عامل های (واحد های معنایی) مضامین فرعی از محتوای مصاحبه ها شناسائی شده اند. در نهایت با توجه به متن مصاحبه های انجام شده عوامل استخراج شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج قابل توجهی از پژوهش به دست آمد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که سه مضمون اصلی عبارتند از: ۱) تجارب معطوف به خود (تجربه فردی) ۲) تجارب معطوف به خانواده و محیط اطراف (تجربه خانوادگی) ۳) پیامدها و بازخوردها (ابعاد خشونت) استخراج گردید. پس از آن ۱۷ مضمون فرعی، برگرفته از مضامین اصلی در قالب تجربیاتی که کسب کرده

اند مد نظر قرار گرفت؛ همچنین ۴۴ زیر عامل (واحد های معنایی) بر گرفته از مضامین فرعی با توجه به مفاد و محتوای مصاحبه های انجام شده با زنان خشونت دیده، استخراج گردید. دو محور ابتدائی مضامین اصلی، بر پایه کسب تجربه از پدیده خشونت است که یکی کسب تجربه معطوف به خود فرد مصاحبه شونده و دیگری کسب تجربه معطوف به خانواده و زیست محیطی مصاحبه شونده می باشد، اما محور سوم بر پایه ابعاد خشونت نتیجه گیری شده است. بنابراین با توجه به یافته های حاصل از پژوهش، به طور کلی می توان گفت که پدیده خشونت خانگی علیه زنان مشهود است و نکته حائز اهمیت پژوهش انجام شده، با توجه به تجربیاتی که آنان از این پدیده کسب کرده اند، تاثیر حاکمیت نظام پدرسالاری و مردسالاری در قالب فرهنگ و سنت دیرینه، تبعیض و نابرابری، اعمال قدرت و نفوذ در تصمیم گیری ها و اظهار نظرات از جانب مردان می باشد. از طرفی در مقایسه با پژوهش ها، تحقیقات و مطالعات برخی از محققان داخلی همچون واعظی و همکاران (۱۷)، زمانی مقدم و حسن و نندی (۱۸) و محققان خارجی چون کلمندی (۱۹)، آتیرایا و همکاران (۲۰) به تجربیاتی چون شروع جر و بحث، درگیری و نزاع، باور تسلط و برتری مردان بر زنان، وجود هنجارها و ارزش های فرهنگی که ریشه در سنت پدرسالاری و مردسالاری دارد، پایین آوردن ارزش و احترام زن، برخوردهای تحکم آمیز، ضعف قوانین، سازگاری و پذیرفتن جایگاه و مرتبه مردان به لحاظ سلطه گری، برتری و اعمال نفوذ بر زنان، فقر اقتصادی، نقش های جنسیتی، بی سوادی و ناآگاهی زنان از موقعیت های فردی و اجتماعی، سابقه خشونت در دوران کودکی و عدم استقلال در تصمیم گیری اشاره شده اند که با در نظر داشتن محورهای اصلی در یافته های پژوهش چون کسب تجربیات

## References

1. Hemmati R. Frequency of Spouse Abuse and its Contributory Factors in Islam Abad, Zanjan, 2003. *Journal of Advances in Medical and Biomedical Research*. 2005;13(50):36-43. (Persian).
2. McDonnell J. Thinking About Women: Sociological Perspectives on Sex and Gender. *Teaching Sociology*. 1997;25(4):367.
3. Ganley AL, Schechter S. Domestic violence: A national curriculum for child protective services: Family Violence Prevention Fund; 1996.
4. Garcia-Moreno C, Jansen HA, Ellsberg M, Heise L, Watts CH. Prevalence of intimate partner violence: findings from the WHO multi-country study on women's health and domestic violence. *The lancet*. 2006;368(9543):1260-9.
5. Soler H, Vinayak P, Quadagno D. Biosocial aspects of domestic violence. *Psychoneuroendocrinology*. 2000;25(7):721-39.
6. Vameghi M, Mohammadreza KA, Sajadi H. Domestic Violence in Iran: Review of 2001-2008 literature. *Social Welfare*. 2014;13(50):37-70. (Persian).
7. Alhabib S, Nur U, Jones R. Domestic violence against women: Systematic review of prevalence studies. *Journal of family violence*. 2010;25:369-82. (Persian).
8. Sohrabzadeh M, Mansoriyan Ravandi F. Women's lived experience of verbal violence in the family (Case study: women in Kashan). *Journal of Woman in Culture Arts*. 2017;9(2):245-64. (Persian).
9. Kabiri A, Saadati M, Noruzi V. Sociological analysis of factors affecting domestic violence case study: Married women in Urmia. *Quarterly Journal of Women and Society*. 2018;9(34):295-320.
10. Campbell JC. Health consequences of intimate partner violence. *The lancet*. 2002;359(9314):1331-6.
11. Papinejad S, Tajodin M, Mohaddesi ghilovae H. Girls' life experience of living

معطوف به خود، خانواده و محیط زیست و همچنین محور پیامدها و بازخوردهای ناشی از تجربه خشونت در ابعاد جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی و اقتصادی، پژوهش‌های آنان در ارتباط با شیوع خشونت مردان علیه زنان مورد تایید قرار می‌گیرند. پس از استخراج مضامین فرعی در قالب ۱۷ عامل که عبارتند از: ۱) خشونت پذیری زنان، ۲) داشتن تجربه در دوران کودکی (۳) بی‌کاری و شغل فصلی (۴) تحصیلات (۵) عدم دارائی و منابع اقتصادی در اختیار زن (۶) ضعف پایگاه اجتماعی خانواده پدری (۷) پذیرش نقش‌های جنسیتی (۸) اعتیاد به مواد مخدر و الکل (۹) دخالت والدین و اطرافیان (۱۰) الگوی سنتی پدرسالاری و مردسالاری (۱۱) روابط قدرت در خانواده (۱۲) بی‌توجهی به خواسته‌ها و نیازهای عاطفی می‌تواند تاثیر حاکمیت نظام پدرسالاری و مردسالاری در قالب فرهنگ و سنت دیرینه، تبعیض و نابرابری، اعمال قدرت و نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و اظهار نظرات از جانب مردان را به عنوان نتایج پژوهش اعلام کرد. زیر عامل‌های (واحد‌های معنایی) برگرفته شده از ۱۷ عامل فرعی، در واقع جزئیات کسب تجربه‌هایی است که زنان خشونت دیده و مورد مطالعه با آن مواجه شده‌اند؛ در نتیجه پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهش‌گران مورد تایید می‌باشد. با توجه به پیشینه و مرور مطالعاتی پیرامون پدیده خشونت علیه زنان با موضوع همسرآزاری از جانب مردان و شیوع، گسترش و رواج یافتن این پدیده به عنوان آسیب‌های جدی در سطح جوامع و خانواده‌ها نیاز به بازنگری، بازاندیشی و تأمل بر گرفته از نکته‌نظرات علمی و تخصصی تیم کارشناسان مجرب و دانش‌آموخته در حیطه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مددکاری و حقوق نسبت به این پدیده می‌باشد. به طوری که ضمن یافته‌های حاصل از پژوهش راه کارهای قابل اجرا و عملی در جهت کاهش حداکثری پدیده خشونت ارائه گردد. لذا به بخش‌هایی از پیشنهادات در ذیل اشاره می‌شود:

- ✓ ایجاد فضای آموزشی مناسب در خصوص مهارت‌های زندگی و زناشویی در مراکز مثبت زندگی و کلینیک‌های مددکاری، تحت نظارت سازمان بهزیستی کشور توسط کارشناسان مجرب در حوزه‌های روان‌شناختی و مددکاری.
- ✓ ایجاد بستر مناسب و زمینه لازم به منظور ارتقاء و تعالی فرهنگ در خصوص شکل‌گیری روابط عادلانه بین زنان و مردان در کانون خانواده‌ها در حوزه فرهنگی شهرداری‌ها، مراکز امنیتی و قضائی و حوزه اجتماعی و پیش‌گیری سازمان بهزیستی توسط کارشناسان برنامه‌ریزی اجتماعی، علوم اجتماعی و روان‌شناسان
- ✓ گسترش و تقویت طرح مداخله در بحران‌های فردی و خانوادگی در سازمان‌های حمایتی چون سازمان بهزیستی کشور در جهت حمایت از زنان و دخترانی که در معرض آسیب‌های ناشی از خشونت قرار گرفتند گام موثری برداشته شود.
- ✓ حمایت، پشتیبانی و همکاری دوجانبه و متقابل عوامل قضائی و امنیتی با عوامل حمایتی چون پلیس و دستگاه قضا با سازمان بهزیستی کشور در جهت کاهش اعمال خشونت علیه زنان و کوتاه شدن دست مردان از تشدید یافتن خشونت.

20. Atteraya MS, Gnawali S, Song IH. Factors associated with intimate partner violence against married women in Nepal. *Journal of interpersonal violence*. 2015;30(7):1226-46.
- in a residence. *Women's Strategic Studies*. 2020;23(89):117-42.
12. Seers K, Rycroft-Malone J, Cox K, Crichton N, Edwards RT, Eldh AC, et al. Facilitating Implementation of Research Evidence (FIRE): an international cluster randomised controlled trial to evaluate two models of facilitation informed by the Promoting Action on Research Implementation in Health Services (PARIHS) framework. *Implementation Science*. 2018;13:1-11.
13. Tayebi Abolhasani A. Introduction to Research Methodology: Standard procedures for qualitative data analysis. *Science and Technology Policy Letters*. 2019;09(2):67-96. (Persian).
14. Abedi A, Shavakhi A. The Comparison between Quantitative and Qualitative Research in Behavioral Science. *Strategy*. 2010;18(1):153-70. (Persian).
15. Kamali y. Methodology of Thematic Analysis and its Application in Public Policy Studies. *Iranian Journal of Public Policy*. 2018;4(2):189-208. (Persian).
16. Friese S. Qualitative data analysis with ATLAS. ti Qualitative data analysis with ATLAS ti. 2019:1-344.
17. Vaezi F, Esmaili R, Mohammadi A. An analysis of the lived experiences of women heads of households in the face of high-risk behaviors Study of women heads of households in Kerman. *Women's Strategic Studies*. 2022;24(94):75-103. (Persian).
18. Zamani-moghadam M, Hasanvandi S. A Qualitative Study of Domestic Violence Against Housewives in Khorramabad. *Quarterly Journal of Woman and Society*. 2019;10(39):145-70. (Persian).
19. Kelmendi K. Domestic violence against women in Kosovo: A qualitative study of women's experiences. *Journal of interpersonal violence*. 2015;30(4):680-702.